



مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرین

کرامت اسمی^۱، رحمت اله مرزوقی^۲، جعفر ترک زاده^۳، بابک شمشیری^۴

چکیده:

هدف کلی تحقیق حاضر، تعیین مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرین و مؤلفه های آنها در آموزش عالی ایران است که به روش ترکیبی متوالی اکتشافی و در دو گام ۱- تعیین مبانی برنامه درسی کارآفرین ۲- اعتبار یابی آن، انجام گرفته است. در گام اول، گردآوری اطلاعات به به شیوه "سه سو سازی" و با بررسی اسناد بالا دستی، مبانی نظری و تحقیقات پیشین و مصاحبه نیمه ساختار یافته با صاحب نظران کلیدی، صورت پذیرفته است. از تحلیل محتوای هدایت شده و تلخیصی نیز به شکل ترکیبی، جهت تقلیل احیاگرانه داده ها و استخراج مبانی برنامه درسی کارآفرینی استفاده گردید. در گام دوم، اعتبار یافته ها با استفاده از معیارهای اعتبار سنجی کیفی (قابلیت اعتبار، تأیید پذیری و انتقال پذیری) و تکنیکهای گوناگون آنها بدست آمد. برای اطمینان از پایایی بخش کیفی تحقیق نیز از آزمون قابلیت اعتماد (اطمینان پذیری) استفاده شد که آزمون و مستندسازی فرایندهای بررسی در طول مراحل تحقیق به کمک مدارک، مستندات و شواهد کافی اتفاق افتاد. همچنین اعتباریابی کمی چارچوب تدوین شده، به روش تحلیل عامل اکتشافی و ناییدی صورت پذیرفت و چارچوب نهایی مشتمل بر مؤلفه های چهار گانه، تدوین گردید. نمونه گیری نیز به روش هدفمند و بر اساس حجم اشباعی و نمونه معرف تعیین گردید.

کلید واژگان: برنامه درسی، مبانی فلسفی برنامه درسی، برنامه درسی کارآفرین، مبانی فلسفی برنامه درسی

کارآفرین

۱ - استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، بخش علوم تربیتی، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول). نشانی الکترونیکی km.esmi@gmail.com

۲ - دانشیار دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی، شیراز، ایران.

۳ - دانشیار دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی، شیراز، ایران.

۴ - دانشیار دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی، شیراز، ایران.



مقدمه:

برنامه درسی یک نقشه برای تجارب یادگیری تلقی می شود که فراگیران با راهنمایی مدرسه با آن مواجه می شوند که هدف آن فراهم کردن ابزار برای نظم بخشیدن و هدایت آن تجارب است. (اولیوا^۱، ۲۰۱۰). برنامه درسی یک مقوله آمیخته به فرهنگ است و با ضرورتها و اقتضائات فکری، اعتقادی و ارزشی رابطه قوی دارد، به همین دلیل در آن از مبنای فلسفی و اجتماعی نیز در کنار مبانی روانشناختی برنامه درسی بحث می شود که بر اساس آن مبنای فلسفی، برنامه درسی جهت گیری مشخص پیدا می کند؛ بنابراین باید با توجه به شرایط و ویژگیهای بومی، برنامه درسی مناسب را جستجو کرد و برای طراحی آن اقدام نمود. ضرورت و اهمیت این اقدام زمانی آشکار می شود که به تنوع دیدگاههای برنامه درسی و علل این تنوع به درستی بیندیشیم و تفاوتهای آنها را بررسی عمیق کنیم؛ به عنوان مثال با بررسی پراگماتیسم به عنوان یک فلسفه تعلیم و تربیت متوجه می شویم که برنامه درسی خاصی از این فلسفه استنباط می شود (ملکی، ۱۳۸۷). در مورد تمامی فلسفه ها از جمله فلسفه اسلامی نیز این قاعده حاکم است.

مبنای برنامه درسی، مجموعه گزاره های توصیفی و تبیینی است که شناخت امور معینی را برای ما فراهم می سازد که فرایند برنامه ریزی درسی با تکیه بر آنها صورت می پذیرد. مبنای، بر دلالت های مهمی تأکید دارند که نگرش حاکم بر عناصر و مؤلفه های برنامه درسی کارآفرینی را شکل می دهند. از مهمترین آنها، مبنای فلسفی برنامه درسی است که مجموعه تبیین های منسجمی است که در خصوص ماهیت انسان، ماهیت معرفت و ماهیت ارزش از سوی یک مشرب فکری ارائه می گردد (ملکی، ۱۳۸۶). منظور از مبنای فلسفی برنامه ریزی درسی آن دسته از عوامل و نیروهای فلسفی است که بر فرآیند تدوین اهداف برنامه درسی و تعیین وسایل و ملزومات اثر می گذارد. فلسفه ی مسلط اجتماعی در حقیقت جهت دهنده و تعیین کننده مقاصد اصلی تعلیم و تربیت است. فلسفه ی تعلیم و تربیت، اعتقاد برنامه ریز به یکی از مکاتب فلسفی ذیربط، به شدت جهت گیری برنامه درسی را متفاوت می سازد. مبنای فلسفی، نقش پالایشگری اهداف و مقاصد برنامه درسی را نیز برعهده دارد.

از نظر گودلد (۱۹۷۹)، مبنای فلسفی، نقطه آغاز و پایه ای برای همه تصمیمات برنامه درسی است. مبنای فلسفی، تأثیراتی است که فلسفه حاکم بر جامعه و برنامه ریز بر فرایند تدوین اهداف و تدارک امکانات برنامه ریزی درسی دارد. جهت گیری سیاست گذاران در تعیین مقاصد اصلی تعلیم و تربیت تأثیر پذیرفته از دیدگاه فلسفی است که بدان اعتقاد دارند (موسی پور و همکاران، ۱۳۸۴).

هر یک از مولفه های مبنای فلسفی برنامه درسی، حاوی دلالت های خاصی است که به برنامه ریزی درسی جهت می دهد؛ به عنوان مثال در فلسفه آموزش و پرورش اسلامی، «انسان» نوع خاص تعریف می شود. وقتی که

1. Oliva
2. Goodlad



پذیرفتیم از نظر اسلامی کودک یک موجود مکرم است و ارزش ذاتی دارد و همچنین پذیرفتیم که استعداد‌های عالی فطری به طور هماهنگ در وجود او قرار داده شده است و در جهت خلافت الهی باید فعالیت پیدا کند، موظف هستیم برنامه درسی را به عنوان وسیله‌ای برای تربیت و یادگیری در جهت رشد همه جانبه فرد، بازبینی کنیم و چارچوب مفهومی خاص برای آن تعریف کنیم. علاوه بر ماهیت انسان، ماهیت ارزش، ماهیت معرفت و ماهیت زندگی نیز در فلسفه آموزش و پرورش اسلامی به طور خاص تبیین می‌شوند و بر تعریف و توضیح برنامه درسی و برنامه‌ریزی درسی اثر می‌گذارند (ملکی، ۱۳۸۷).

همچنین فلسفه اسلامی، در بحث از ماهیت انسان، انسان را موجودی پرکار و تلاشگر می‌داند و کار را مایه عزت او می‌داند، در دیدگاه اسلامی، یکی از بهترین ارزشها، کار کردن است. معرفت کار و دانش کارآفرینی بسیار با اهمیت بوده و مورد احترام است. اسلام، به کار و اشتغال اهمیت زیادی داده و بیکاری را به شدت نکوهش کرده است. قرآن کریم رهبران بزرگی هم چون حضرت سلیمان، داود و ذوالقرنین را مثال می‌زند که با تبحر زیاد و مانند کسانی که امروزه کارآفرین نامیده می‌شوند، ثروت فراوان تولید کرده و جامعه را هم به فعالیت ترغیب و در نتیجه آدمیان را (ضمن این که عدم تعلق به ثروت را در خود تعدیل کرده اند) از بطالت و بیکاری رها نمودند. در مقابل، از سودجویان و ثروت اندوزان مانند قارون، فرعون، ولید بن مغیره و ابی لهب مثال می‌زند که عشق بیش از حد به انباشت سرمایه و ثروت، موجب سقوط آنها شده است. یعنی در قرآن کریم ذات تولید و ثروت پذیرفته شده و عاملان آن چنان چه شرایط کافی دیگر برای بهره مندی از نتایج کار خود را داشته اند، مورد تأیید قرار گرفته و الگو شده اند (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۱). با تدبیر در آیات قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام، روشن می‌شود که ثروت و یا سود، از نظر اسلام، به طور مطلق محکوم و مطرود شمرده نشده است، بلکه آنچه در منابع اسلامی در رابطه با نکوهش ثروت و به نوعی دنیاگرایی آمده، ناظر بر هدف مطلق قرار گرفتن ثروت و یا سود می‌باشد از نظر اسلام، کارآفرین فرد تلاش گری است که با اتکا به قابلیت‌های خود و توکل به خداوند از حداکثر توانایی‌های جسمی، مادی و تخصصی اش برای منافع حلال خود در جامعه ای که در آن زندگی می‌کند، استفاده کند. یک کارآفرین می‌کوشد تا با قدرت، خلاقیت، ابتکار، تصمیم‌گیری به موقع، تکیه بر وجدان کاری و انضباط، همواره اطلاعات شغلی خود را تعمیق و توسعه داده و محیط کاری خود را به محیطی بهره ور، پویا و خداپسندانه تبدیل کند (همان).

آموزه های دین اسلام به طور وسیع مردم را به انجام فعالیت و کار دعوت می‌کند و از انسان ها می‌خواهد که از کار خویش دیگران را نیز بهره مند کنند و به طور غیرمستقیم مردم را تشویق به کارآفرینی و ایجاد شغل می‌کند تا از فقر و گرسنگی در یک جامعه ی اسلامی جلوگیری شود. در نتیجه، افکار و اعتقاد دینی فرد می‌تواند بر کارآفرینی او اثرگذار باشد. دین اسلام چون بیشترین توجه را به تک تک افراد جامعه دارد می‌تواند فرد کارآفرین را در کارش



بیشتر تشویق به فعالیت کند و افراد کارآفرین با دید اسلامی می توانند در کارشان بیشتر موفق باشند. افزون بر این فقط به فکر منافع خویش نبوده و دیگران را نیز در موفقیت خویش شریک کند تا بتواند کار را توسعه دهند. از نظر اسلام، کارآفرین، فرد تلاشگری است که با اتکالی به نفس و توکل به خداوند بتواند از حداکثر تواناییهای جسمی، مادی و تخصصی خود از راه حلال برای منافع خود در جامعه ای که در آن زندگی می کند، استفاده کند. یک کارآفرین می کوشد تا با قدرت خلاقیت، ابتکار، تصمیم گیری به موقع، تکیه بر وجدان کاری و انضباط، دانش شغلی خود را همواره عمیق تر کرده و توسعه داده و محیط کاری خود را به یک محیط کاری بهره ور، پویا و شاداب و خدایسندانه تبدیل کند (خنیفر، ۱۳۸۵).

لذا نظر به اهمیت کارآفرینی در فلسفه اسلامی و تاکید سند چشم انداز و قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه بر دستیابی به اهدافی چون توسعه کارآفرینی، توسعه شرکت های دانش بنیاد (تاسیس ۲۰ هزار شرکت توسط کارآفرینان دانا محور تا پایان سند)، افزایش شبکه های تحقیقاتی با رویکرد اقتصادی و در نهایت افزایش شرکت های نوپا مستقر در پارک ها و مراکز رشد، و بازنگری متون، محتوا و برنامه های آموزشی و درسی دانشگاهی مبتنی بر آموزه ها و ارزشهای دینی و هویت اسلامی - ایرانی و انقلابی و تقویت دوره های تحصیلات تکمیلی با بهره گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری با اولویت نیاز بازارکار، ضروری است که برنامه درسی دانشگاهها به سمت کارآفرینی و توسعه نگرش های کسب و کار، تغییر جهت دهد که لازمه این تغییر بزرگ، تدوین و طراحی برنامه درسی کارآفرین با مبانی کارآفرینانه است. لوسزکیو^۱ (۲۰۰۸)، برنامه درسی کارآفرینی را از نظر ماهیت، مبتنی بر رویکرد چند رشته ای می داند که این برنامه باید قواعد پیچیدگی علوم را نشان دهد و همانگونه که افراد دارای استعدادها، انگیزه ها و هویت های پیچیده اند، این برنامه نیز باید نیازهای متنوع آنها را مرتفع نماید. از نظر وی برنامه درسی کارآفرینی باید دارای پنج بعد باشد:

- محیط^۲
- اقتصاد^۳
- کارآفرینان^۴
- شرکت^۵ (بنگاه)
- پیچیدگی^۶

در خصوص محیط، به بررسی این موضوع می پردازد که محیط چگونه بر رفتار جوامع و افراد اثر می گذارد. در

-
1. Luczkiw
 2. environment
 3. economy
 4. entrepreneurs
 5. enterprise
 6. entreplexity



زمینه اقتصاد، منعکس کننده استراتژی‌هایی است که برای موفقیت در این محیط مورد نیاز است. در بخش کارآفرینان، فراگیران با افراد کارآفرین جامعه خود مصاحبه می‌کنند و از این طریق ذهنیت و آمادگی کارآفرینی - کسب می‌نمایند و با دشواریها و فرصتهای شروع کسب‌وکار در جامعه خود آشنا می‌شوند. در رابطه با شرکت یا بنگاه، فراگیران از طریق تحلیل محیط، اقتصاد و کارآفرینان، چارچوبی برای طراحی یک واحد بنگاه فراهم می‌کنند و بخش پنجم یعنی پیچیدگی نشان دهنده پیچیدگی عمل کارآفرینی و تأثیر متغیرهای مختلف بر کارآفرینی است (لوسزکیو ۲۰۰۸). چارچوب یادگیری در این برنامه درسی شامل سه حیطه است:

- یادگیری درباره کارآفرینی^۱

- یادگیری برای کارآفرینی^۲

- یادگیری از طریق کارآفرینی^۳

این برنامه یادگیری مبتنی بر محیط جامعه است که مهارتهای کارآفرینی را تقویت می‌نماید و قابلیت اجرا در سطح مدارس و دانشگاه را دارد و مبنای یادگیری در این برنامه انجام دادن است و شالوده این برنامه جامعه است. بدین معنی که کارآفرینی از طریق خلق فرصت و شبکه سازی با کارآفرینان و افراد حرفه ای در جامعه صورت می‌گیرد. فلسفه برنامه این است که کارآفرینی حاصل درونی فرد است نه ایده های کسب و کار و ایجاد شخصیت کارآفرین نیازمند رویکرد فردی است و این مهم است که افراد ماهیت فعالیت کارآفرینی خودشان را از طریق نوآوری، خود اشتغالی و یا مالکیت کسب و کارهای کوچک کشف نمایند. بنابراین برنامه درسی کارآفرینی باید با توجه به ویژگیهای شخصیتی افراد و ویژگیهای فرهنگی اجتماعی جامعه تدوین شود (مذبوحی و همکاران، ۱۳۹۰).

در برنامه درسی کارآفرینی، مبانی فلسفی نیز به عنوان مهمترین مبنا، ضروری است که از ویژگیهای کارآفرینانه برخوردار باشد و مهارت آموزی و کارورزی را ترویج دهد. در برنامه درسی موجود بسیاری از رشته های دانشگاهی، نگرش کسب و کار حاکم نبوده و دانش آموختگان و دانشجویان با قانون های کسب و کار، نحوه تدوین طرح کسب و کار، مهارت های مالی و بازاریابی و مفاهیم خلاقیت، نوآوری و مهارت های مربوط به آن و شغل های مربوط به رشته تحصیلی خود آشنا نیستند. نتایج پژوهش احمدزاده (۱۳۸۴)، ملامحمدی (۱۳۷۹)، اسکات (۲۰۰۸)، لورنکو و همکاران (۲۰۰۶) و هانون و همکاران (۲۰۰۶) حاکی از این است که برنامه های درسی، پویایی لازم را برای دستیابی به دانش روز ندارد و با نیازهای بازار کار همخوانی ندارد. بنابراین ضروری است که رشته های دانشگاهی، با طراحی برنامه درسی کارآفرینی به توسعه بخشی ویژگیهای کارآفرینی دانشجویان خود بپردازند. معرفی مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرین و تبیین ویژگیهای آنها از اهداف مهم مقاله حاضر است که در ادامه به آن می

1. learning about entrepreneurship

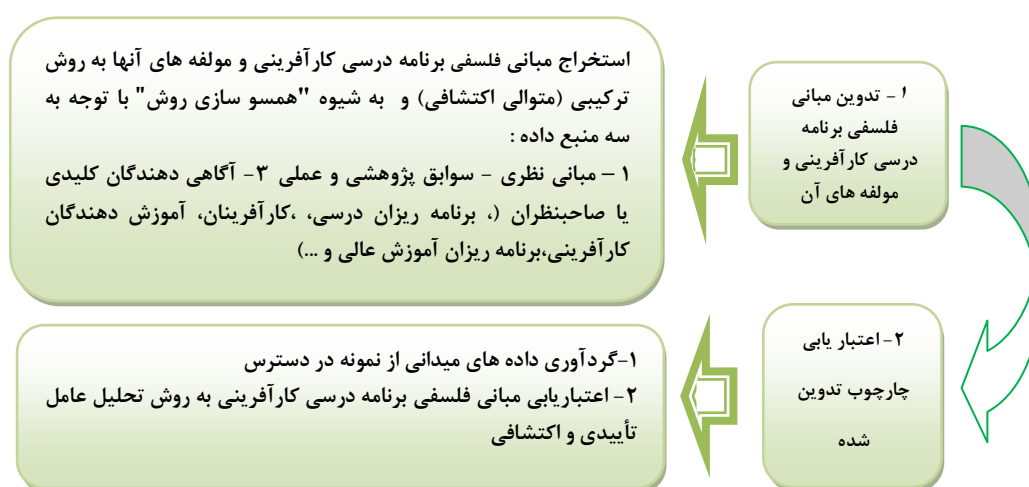
2. learning for entrepreneurship

3. learning from the entrepreneur

پردازیم.

روش پژوهش:

هدف کلی پژوهش حاضر، تعیین مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرین، مؤلفه ها و شاخصهای آن است. این پژوهش به روش ترکیبی (متوالی اکتشافی) و در دو گام ۱- تعیین مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرین (ترسیم چارچوب مفهومی) ۲- اعتبار یابی آن، انجام گرفته است. (شکل ذیل)



شکل ۱: فرایند تدوین مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی و مؤلفه های آن (رویه تحقیق)

درگام اول، گردآوری اطلاعات، با بررسی اسناد بالا دستی، مطالعه مبانی نظری و تحقیقات پیشین و مصاحبه نیمه ساختار یافته با صاحب نظران کلیدی (استادان، کارآفرینان، متخصصان برنامه درسی)، به شیوه "همسو سازی" صورت پذیرفته است. از آنجا که محقق با دیدگاههای متنوع و گسترده صاحب نظران و همچنین با اطلاعات توصیفی غنی، پیچیده، پربعد و پراکنده ای از مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی روبرو بوده، کدگذاری و دسته بندی داده ها به کمک تحلیل محتوای کیفی ضروری می نمود. لذا در این مرحله، مبانی فلسفی و مؤلفه های آنها، طی مطالعه و بررسی های مستمر محقق و بر مبنای بیشترین میزان تکرار در مقاله ها و کتاب های مختلف از جمله سند و دانشنامه برنامه درسی و همچنین بر اساس اجماع نظر صاحب نظران کلیدی مشارکت کننده در تحقیق و در نتیجه ی فرایندی استقرایی و با استفاده از « تحلیل محتوای کیفی هدایت شده و تلخیصی » استخراج، و مؤلفه های آنها با اولویت نیاز بازار کار و اشتغال فراگیران تدوین گردید. به زبان ساده تر در این مرحله، با جمع آوری و تحلیل داده های کیفی حاصل از مطالعه مبانی نظری و تحقیقات پیشین و با استفاده از



شیوه های منظم گردآوری، کدگذاری و طبقه بندی داده ها و تحلیل محتوای آنها، مبانی، مؤلفه ها و شاخصهای فلسفی برنامه درسی کارآفرینی تدوین گردیده است. به این منظور ابتدا داده های اولیه (شامل چارچوب پیشنهادی محقق و نظرات تخصصی مصاحبه شوندگان) به دقت بررسی و کدهای باز (مبانی، مؤلفه ها، شاخصهای چارچوب) استخراج گردید و ضمن تصحیح های مکرر و مستمر، کدهایی که از نظر مفهومی شبیه یکدیگر بوده، در یک طبقه جای گرفتند و به تدریج طبقات شکل گرفت. طبقات نیز با یکدیگر مقایسه شده و در صورت نیاز، با یکدیگر ادغام و یا در برخی از موارد یک طبقه به دو یا چند طبقه دیگر تفکیک شد و یا محل کد از یک طبقه به طبقه دیگر تغییر پیدا کرد تا در نهایت طبقات محوری به دست آمد. کدگذاری انتخابی نیز ارتباط طبقات را با یکدیگر آشکار کرد. روایی بخش کیفی با استفاده از معیارهای اعتبار سنجی کیفی (قابلیت اعتبار، تأیید پذیری و انتقال پذیری) و تکنیکهای گوناگون آنها، بدست آمد. جهت تعیین قابلیت اعتبار یافته ها، از چهار تکنیک (سه سو سازی (داده ها، بررسی کننده و روش ها)، کسب اطلاعات دقیق موازی و کنترل های اعضا، خود بازبینی محقق) بهره گرفته شد. در سه سو سازی، از داده های متنوع، مصاحبه شوندگان مختلف و روش های متعدد جمع آوری و تحلیل داده ها استفاده شد، در تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی، تحلیل ها و طبقه بندی ها به دیگر صاحب نظران در این زمینه، جهت اظهار نظر ارائه گردید و در تکنیک کنترل های اعضا، یافته ها به مصاحبه شوندگان ارائه گردید تا از واکنشهای آنان در مرحله ی گزارش نتایج و همچنین صحت نتایج حاصله، اطمینان حاصل شود. در تکنیک خود بازبینی محقق، فرایند و نتایج تحلیل به طور مستمر و مداوم توسط محقق بازنگری گردید که نهایتاً همه این اقدامات به افزایش قابلیت اعتبار انجامید. جهت تعیین اعتبار بیرونی (قابلیت انتقال) یافته ها، از سه تکنیک «حصول اشباع نظری، استفاده از رویه های ویژه ی کدگذاری و تحلیل نمادها و نشانه ها، توصیف غنی داده ها» بهره گرفته شد، به این ترتیب که محقق در مورد کلیه ی نکاتی که ممکن است بر قابلیت انتقال اثر بگذارد و قابلیت تعمیم نتایج به سایر حوزه ها و زمینه ها را افزایش دهد، تاکید داشت. در این زمینه جامع و مانع بودن طبقه بندی و کدگذاری های صحیح و بررسی و تحلیل عمیق داده ها جهت افزایش قابلیت انتقال ضروری می نمود که توسط محقق انجام پذیرفت. جهت تعیین اعتبار سازه ای (تأیید پذیری) یافته ها نیز، هرچهار تکنیک «جمع آوری داده از منابع متعدد، انعطاف پذیری چارچوب تئوریک پیشنهاد شده، تحلیل موارد منفی، انعطاف روش» مورد تاکید محققان، در تحقیق حاضر عملی گردید (عباس زاده ۱۳۹۱؛ کرسول^۱ و دیگران ۲۰۰۳؛ پایولین^۲ و دیگران ۲۰۰۲). منابع داده ای متنوع بوده و سه سو سازی به کار گرفته شده است. چارچوب پیشنهادی بارها و بارها اصلاح و تغییر کرده و محقق در تحلیل موارد منفی مصاحبه ها، تبیینات متناقض تفسیر

1. Creswell

2. Pauline



شده در داده‌ها را حل کرده است. همچنین برنامه‌ی مصاحبه، بارها ارزیابی مجدد شده و محتوا و فرایندهای آن مورد بازبینی قرار گرفته و در تفسیرها، پیشنهادها و یافته‌ها، کاملاً منعطف عمل شده است. برای اطمینان از پایایی بخش کیفی تحقیق نیز از آزمون قابلیت اعتماد (اطمینان پذیری) استفاده شد که به درجه‌ی بازیافت پذیری و تکرارپذیری داده‌ها از سوی سایر افراد اطلاق می‌شود. در تحقیق حاضر نیز، آزمون قابلیت اعتماد، با استفاده از آزمون و مستندسازی فرایندهای بررسی در طول تحقیق به کمک مدارک، مستندات و شواهد کافی اتفاق افتاد. برای اطمینان از پایایی بخش کیفی نیز، از آزمون قابلیت اعتماد (اطمینان پذیری) استفاده شد که آزمون و مستندسازی فرایندهای بررسی در طول مراحل تحقیق به کمک مدارک، مستندات و شواهد کافی اتفاق افتاد. اعتباریابی کمی چارچوب تدوین شده نیز به روش تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی صورت پذیرفت که چارچوب نهایی مشتمل بر مبانی چهارگانه و مؤلفه‌ها و شاخصهای آنها ترسیم گردید. بدین صورت که مجموعه مبانی و مؤلفه‌های تدوین شده، به پرسشنامه تبدیل و در اختیار صاحب‌نظران کلیدی که به روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس حجم اشیاعی به تعداد ۹۰ نفر انتخاب گردیدند، قرار گرفت و با استفاده از اطلاعات بدست آمده، ابتدا ساختار عاملی چارچوب، با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی بررسی گردید و سپس الگوی حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی نیز بررسی و میزان برازش آن بدست آمد. نمونه‌گیری این تحقیق، به روش آشیاعی متوالی و بر اساس حجم اشیاعی و نمونه معرف بوده است.

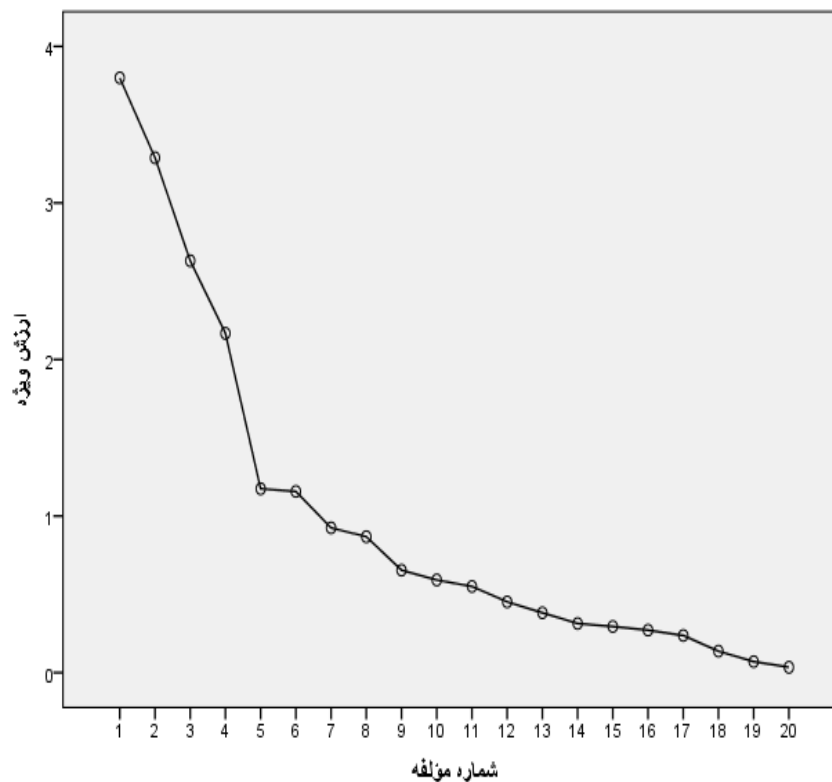
یافته‌ها

نتایج حاصل از گام اول تحقیق نشان داد که غالب افراد صاحب‌نظر، چهار مبانی (هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی) را به عنوان مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی تأیید می‌کنند. همچنین با اجماع نظری آنها، مؤلفه‌ها و شاخصهای فلسفی برنامه درسی کارآفرینی پس از انجام اصلاحات فراوان احصاء گردید. هستی‌شناختی، به قرائت‌ها، تحلیل‌ها و برداشت‌های برنامه‌ریزان درسی از هستی و چگونگی پیدایش هستی و ویژگیهای آن اشاره دارد (سلیمانپور و همکاران، ۱۳۹۱). که در برنامه درسی کارآفرینی، گزاره‌های کار محور و اشتغال‌آفرین این بعد، همچون: (هستی در حال شدن و دگرگونی است، هستی دارای حیات، شعور، قانونمندی و هماهنگی است، هستی عینی و واقعی است، هستی عرصه تربیت انسان است، هستی تنها بعد طبیعی و مادی نیست) مورد تأکید و تأیید قرار گرفت. در مبانی ارزش‌شناختی، ماهیت ارزش در تفکر اسلامی، بررسی می‌شود (ملکی، ۱۳۸۶). در واقع، ارزش‌شناختی مهم‌ترین گزاره‌ها درباره منابع، ویژگی‌ها و مصادیق ارزش‌ها در ارتباط با عرصه‌های چهارگانه خدا، خود، خلق و خلقت است (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱)، که در برنامه درسی کارآفرینی، گزاره‌های کار محور و اشتغال‌آفرین این بعد، همچون: (ارزش عمل مبتنی بر ایمان و



تفکر و مجاهدت و ارزشهای الهی، ارزش کسب روزی حلال، ارزشهای خودیادگیری، خودسازی و خوداشتغالی مستمر و مادام‌العمر، ارزش همکاری و تعاون و مشارکت) مورد تأکید و تأیید قرار گرفت. انسان شناختی نیز آن دسته از گزاره‌های توصیفی - تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است که از تعالیم اسلامی یا معارف اصیل اسلامی یا از مباحث مربوط به تربیت انسان در فلسفه اسلامی (علم النفس فلسفی) استخراج شده‌اند و باید آن‌ها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱)، که در برنامه درسی کارآفرینی، گزاره‌های کار محور و اشتغال آفرین این بعد، همچون: (برخوردار از استعداد متنوع و رشد و تعالی مداوم، کسب بصیرت و تعالی در همه زمینه‌ها، قدرت جو و توسعه طلب، مسئولیت‌آسی انسان در تکوین و تحول هویت خود، برخوردار از وجدان و ارزش‌باور درونی) مورد تأکید و تأیید قرار گرفت. معرفت شناختی نیز مهم‌ترین گزاره‌های توصیفی و تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است که بنا بر سنت متعارف در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت بسیار عرصه معرفت‌شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان‌شناختی متمایزگشته است (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱)، که در برنامه درسی کارآفرینی، گزاره‌های کار محور و اشتغال آفرین این بعد، همچون: (معرفت نسبی است، تحصیل معرفت نامحدود است، تعقل در معرفت، معیار اعتبار معرفت مطابقت با عقلانیت و منتج به عمل است، معرفت پویا است) مورد تأکید قرار گرفت.

اما لازم بود که نتایج حاصل از بخش کیفی تحقیق، مورد تأیید تجربی قرار گیرد که در بخش کمی این اتفاق افتاد و نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی که به روش مؤلفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس انجام گردید، حاکی از آن بود که یک ساختار چهار عاملی، روش مناسبی برای توصیف گویه‌های مربوط به مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی است. این چهار عامل بر روی هم ۶۴/۵۲ درصد از واریانس مقیاس را تبیین می‌کردند. شکل ۴-۲۷، نمودار اسکری تحلیل عاملی مبانی فلسفی برنامه درسی را نشان می‌دهد.



شکل ۲. نمودار اسکری مقیاس مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی

بر اساس محتوای گویه‌ها، این چهار عامل به ترتیب هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی نامیده شدند. گفتنی است در مجموع ۵ گویه (خداوند مبدا و مقصد هستی، توحید و قرب الی اله در راس همه ارزشها، ارزش فعالیت و پرهیز از بطالت و بیکاری، مسئولیت‌پذیری همه جانبه، تعقل در معرفت) به دلیل بار عاملی نامناسب از مقیاس حذف شدند. ملاک حذف گویه‌ها، بار عاملی کمتر از ۰/۳ و یا وجود بار عاملی بالای ۰/۳ بر روی بیش از یک عامل بود. جدول ۴-۱ نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی

۴- معرفت شناختی		۳- انسان شناختی		۲- ارزش شناختی		۱- هستی شناختی	
بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه
۰/۷۹	معرفت نسبی است	۰/۷۸	برخوردار از استعداد متنوع و رشد و تعالی مداوم	۰/۴۷	ارزش عمل مبتنی بر ایمان، تفکر، مجاهدت و ارزشهای الهی	۰/۷۳	هستی در حال شدن و دگرگونی است
۰/۸۵	تحصیل معرفت نامحدود است	۰/۸۰	کسب بصیرت و تعالی در همه زمینه ها	۰/۸۳	ارزش کسب روزی حلال	۰/۷۸	هستی دارای حیات، شعور، قانونمندی و هماهنگی است
۰/۵۵	تعقل در معرفت	۰/۸۳	قدرت جو و جاه طلب	۰/۸۱	ارزشهای خود یادگیری، خود سازی و خود اشتغالی مستمر و مادام العمر	۰/۸۰	نظارت الهی بر هستی
۰/۷۸	معیار اعتبار معرفت مطابقت با عقلانیت و منتج به عمل است	۰/۴۵	مسئولیت اساسی انسان در تکوین و تحول هویت خود	۰/۸۲	ارزش همکاری، تعاون و مشارکت	۰/۶۸	هستی عینی و واقعی است
۰/۸۶	معرفت پویا است	۰/۷۰	برخوردار از وجدان و ارزیابگر درونی			۰/۵۲	هستی عرصه تربیت انسان است
						۰/۸۹	هستی تنها بعد طبیعی و مادی نیست
۲/۵۳		۲/۷۷		۳/۱۶		۳/۴۱	ارزش ویژه
۱۲/۶۷		۱۳/۸۶		۱۵/۸۱		۱۷/۰۷	درصد کل واریانس

گفتنی است مقدار آزمون کایزر- مایر- اولکین^۱ برای بررسی کفایت نمونه‌گیری محتوایی برابر با ۰/۶۶ و مقدار آزمون کرویت بارلت برای معنی‌داری ماتریس همبستگی بین گویه‌ها، در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی‌دار بود. جدول ۴-

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy (KMO)

۲ نتایج حاصل از این تحلیل‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج آزمون کایزر- مایر- اولکین و کرویت بارلت برای مقیاس مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی

آزمون کایزر- مایر- اولکین		۰/۶۶
آزمون کرویت بارلت	مقدار کای دو	۹۸۵/۱۷۱
	درجه آزادی	۱۹۰
	سطح معناداری	۰/۰۰۰۱

جهت تأیید نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی، به تحلیل عاملی تأییدی مقیاس اقدام گردید و میزان برازش هر الگو بدست آمد و با اعمال برخی اصلاحات سعی گردید میزان برازش، بهبود یافته و به شاخص‌های مورد قبول نزدیک شود. در این تحلیل نیز اگر مقدار بارهای عاملی کمتر از ۰/۳ باشد، گویه حذف و مدل مجدداً در نرم افزار اجرا می‌گردد. در تحلیل عاملی تأییدی مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی، گویه " نظارت الهی بر هستی " از بعد هستی شناختی، به دلیل بارعاملی کمتر از ۰/۳ از مدل حذف شد. اما دیگر گویه های شناسایی شده، سنجه های خوبی برای ابعاد (هستی شناختی، ارزش شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی) بودند. بارهای عاملی برای گویه ها در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل عاملی تأییدی مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی

۱- هستی شناختی		۲- ارزش شناختی		۳- انسان شناختی		۴- معرفت شناختی	
گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی
هستی در حال شدن و دگرگونی است	۰/۶۴	ارزش عمل مبتنی بر ایمان، تفکر، مجاهدت و ارزشهای الهی	۰/۳۶	برخوردار از استعداد متنوع و رشد و تعالی مداوم	۰/۸۲	معرفت نسبی است	۰/۴۸
هستی دارای حیات، شعور، قانونمندی و هماهنگی است	۰/۸۲	ارزش کسب روزی حلال	۰/۷۶	کسب بصیرت و تعالی در همه زمینه ها	۰/۷۶	تحصیل معرفت نامحدود است	۰/۹۴
هستی عینی و واقعی است	۰/۵۶	ارزشهای خود یادگیری، خود سازی و خود اشتغالی مستمر و مادام العمر	۰/۷۶	قدرت جو و جاه طلب	۰/۸۰	تعقل در معرفت	۰/۴۳
هستی عرصه تربیت انسان است	۰/۴۰	ارزش همکاری، تعاون و مشارکت	۰/۷۸	مسئولیت اساسی انسان در تکوین و تحول هویت خود	۰/۳۲	معیار اعتبار معرفت مطابقت با عقلانیت و منتج به عمل است	۰/۴۴
هستی تنها بعد طبیعی و مادی نیست	۰/۹۷			برخوردار از وجدان و ارزیابگر درونی	۰/۵۱	معرفت پویا است	۱/۰۱

پس از بررسی بارهای عاملی، باید نسبت به برازش داده های گرد آوری شده با مدل مفهومی پژوهش نیز اطمینان حاصل نمود. معمولاً برای ارزیابی برازندگی مدل های ساختاری از آزمون مجذور کای استفاده می شود که وابسته به حجم نمونه بوده و برای حجم نمونه بین ۷۵ تا ۲۰۰ مورد منطقی است (حنفی زاده و همکاران، ۱۳۹۰). علاوه بر این آزمون، شاخص های دیگری نیز وجود دارند که اگرچه مبتنی بر مقدار مجذور کای هستند، لیکن اثر حجم نمونه در آنها تعدیل شده است و برای ارزیابی برازش مدل های ساختاری قابل استفاده می باشند. در این پژوهش، شاخص های مجذور خی، شاخص نیکویی برازش^۱، شاخص نیکویی برازش تطبیقی^۲، شاخص برازش تطبیقی^۳، شاخص نرم شده برازش^۴، شاخص غیر نرم برازش^۵ و شاخص ریشه میانگین مجذورات خطاهای بر آورد^۶ مورد استفاده قرار گرفتند. (χ^2/df کوچکتر از دو، NNFI، NFI، CFI، بزرگتر از ۰/۹، AGFI، بزرگتر از ۰/۸ و RMSEA کوچکتر از ۰/۰۸ نشان دهنده ی برازش مناسب و مطلوب مدل است (شاه و وارد، ۲۰۰۷).

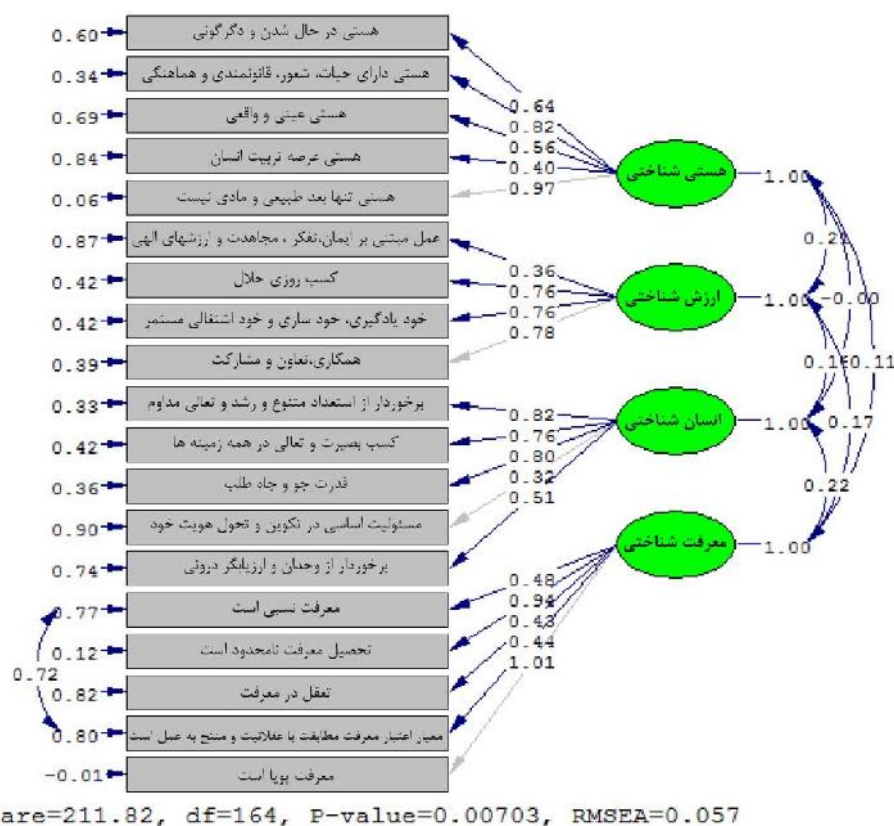
شاخص های برازش مدل مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۴: شاخص های برازش مربوط به تحلیل عاملی تأییدی مقیاس مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی

الگو	X ²	df	X ² /df	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	NNFI
الگوی اصلی (بدون اصلاح)	۲۶۸/۳۷	۱۶۵	۱/۶۲	۰/۰۸۴	۰/۷۷	۰/۷۱	۰/۷۲	۰/۶۱	۰/۶۸
الگوی اصلی (با اصلاح)	۲۱۱/۸۲	۱۶۴	۱/۲۹	۰/۰۵۷	۰/۸۱	۰/۷۵	۰/۹۱	۰/۷۶	۰/۸۹
مقدار مطلوب			<۲	<۰/۰۸	>۰/۹	>۰/۸	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می گردد، حاصل تقسیم کای دو بر درجه ی آزادی و سایر شاخص های برازش، با انجام برخی اصلاحات، آزاد کردن مسیر گویه های (معرفت نسبی است و معرفت پویا است) به میزان قابل قبول رسیده که این امر نشان دهنده آن است که الگوی به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی (به ویژه پس از انجام اقدامات اصلاحی) در نمونه ی مورد بررسی، از برازش بسیار خوبی برخوردار است. شکل ۴-۲۸ نمودار تحلیل عاملی تأییدی الگوی اصلاح شده برای مقیاس مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی را نشان می دهد.

1. goodness of fit index
2. adjusted goodness of fit index
3. comparative fit index
1. normed fit index
2. non-normed fit index
3. root mean square error of approximation
4. Shah and Ward



شکل ۳: نمودار تحلیل عاملی تأییدی الگوی اصلاح شده برای مقیاس مبانی فلسفی برنامه درسی

در نمودار فوق، بیضی ها، متغیرهای مکنون یا عامل ها، و مستطیل ها، گویه های مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی را نشان می دهد. پیکان های یکسویه از بیضی ها به مستطیل ها نشان می دهد که گویه ها روی کدام عامل بار می گیرند و ارزش های نوشته شده روی پیکان ها، میزان واریانس گویه ها را که از سوی عامل قابل توضیح است، نشان می دهد. پیکان های کوچک، واریانس باقیمانده (خطا) را نشان می دهد که به وسیله ی عامل تبیین نمی شود و پیکان های دوسویه نیز همبستگی میان عامل ها را نشان می دهد. در تحلیل عاملی تأییدی، مقادیر بارهای عاملی با توجه به وزنه های بتا نشان داده می شوند. همان طور که از شکل قابل مشاهده است، همگی بارهای عاملی بزرگ تر از ۰/۳ می باشند و بیانگر این است که گویه های موردنظر، سنجه های خوبی برای ابعاد می باشند.



نتیجه گیری نهایی

مبانی فلسفی برنامه درسی کارآفرینی، ملاک و میزان برای مشخص کردن اهداف و مقاصد برنامه درسی کارآفرینی، بر اساس فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران است که مشتمل بر مؤلفه های (هستی شناختی، ارزش شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی) است و هر کدام از این مؤلفه ها نیز در بر گیرنده گزاره ها و گویه های کار محور و اشتغال آفرین است.

صاحب نظران کلیدی متخصص در حوزه برنامه درسی کارآفرینی، به بعضی از مهمترین گزاره های توصیفی-تبیینی درباره حقیقت وجود (هستی شناختی) اشاره داشته اند که در جهان بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی نیز به طور مدلل مطرح بوده و بر آنها تاکید شده است. این گزاره ها عبارتند از: هستی در حال شدن و دگرگونی است، هستی دارای حیات، شعور، قانونمندی و هماهنگی است، هستی عینی و واقعی است، هستی عرصه تربیت انسان است، هستی تنها بعد طبیعی و مادی نیست. توجه به این مفروضات هستی شناسی با روح برنامه درسی کارآفرینی مطابق بوده و مروج چنین برنامه درسی در مراکز آموزشی کشور ما است.

مهمترین گزاره های واقعیت وجود انسان (انسان شناسی) عبارتند از: برخوردار از استعداد متنوع و رشد و تعالی مداوم

، کسب بصیرت و تعالی در همه زمینه ها، قدرت جو و موفقیت طلب، مسئولیت اساسی انسان در تکوین و تحول هویت خود، برخوردار از وجدان و ارزیابگر درونی است. توجه به این مفروضات انسان شناسی، سنگ بنای اصلی هرگونه توصیف و تبیینی از انسان کار جو و کارآفرین در حوزه دانش فلسفه اسلامی و برنامه درسی کارآفرینی مطابق با آن است.

مهمترین گزاره ها درباره منابع، ویژگیها و مصادیق ارزشها (ارزش شناسی) عبارتند از: ارزش عمل مبتنی بر ایمان، تفکر، مجاهدت و ارزشهای الهی، ارزش کسب روزی حلال، ارزشهای خود یادگیری، خود سازی و خود اشتغالی مستمر و مادام العمر، ارزش همکاری، تعاون و مشارکت. همه این ارزشها مشوق خلق کار و کارآفرینی است و توسعه دهنده مؤلفه های ارزش آفرین و هنری برنامه درسی کارآفرینی است.

مهمترین گزاره ها درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن (معرفت شناسی) عبارتند از: معرفت نسبی است، تحصیل معرفت نامحدود است، تعقل در معرفت، معیار اعتبار معرفت مطابقت با عقلانیت و منتج به عمل است، معرفت پویا است. این نوع نگاه به دانش و معرفت انسان، شیوه کسب دانش را تغییر داده و انسان را سازنده دانش و به تبع آن به کار گیرنده آن دانش می داند و از این طریق کاستیها و نواقص دانش نظری که دانشی غیر کارآفرینانه است را از بین می برد و حرکت به سمت کارآفرینی را سرعت می بخشد.



PHILOSOPHICAL FOUNDATIONS OF ENTREPRENEURSHIP CURRICULUM

Keramat Esmi¹, Rahmatallah Marzoughi², Jafar Torkzadeh³, Babak Shamshiri⁴

ABSTRACT

The overall aim of the present study is to specify philosophical foundations of entrepreneurship curriculum as well as its components at Iran's Higher Education. The study is conducted through mixed sequential-exploratory method in two steps: 1) specifying foundations of entrepreneurship curriculum, and 2) validating them. Initially, the data were collected using "triangulation" method, examination of high-level documents, theoretical bases, and previous studies as well as semi-structured interview with key experts. Moreover, directed and summative content analyses were also employed for data reduction and the extraction of the bases of entrepreneurship curriculum. Subsequently, qualitative accreditation criteria (Credibility, Confirmability, and Transferability) were used to obtain the validity of results. Furthermore, as regards the reliability of the research qualitative part, the use was made of reliability test as well as documentation of the research examination processes, all of which were carried out by virtue of documents, and sufficient evidence. Likewise, quantitative validation of developed framework was performed using exploratory and confirmatory factor analysis, leading to setting of final framework with four components. Moreover, sampling was conducted using objective sampling method and on the basis on saturation size and representative sample.

Keywords: Curriculum, Philosophical Foundations of Curriculum, Entrepreneurship Curriculum, Philosophical Foundations of Entrepreneurship Curriculum

منابع

- احمدپور داریانی محمود، شیخان ناهید، رضازاده حجت الله. (۱۳۸۳). تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب. تهران: امیرکبیر.
- احمدزاده، نسرین. (۱۳۸۴). بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه فارغ التحصیلان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. تهران، ایران.
- خاقانی زاده مرتضی، فتحی واجارگاه کورش. (۱۳۸۷). الگوهای برنامه درسی دانشگاهی. راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، دوره ۱، شماره ۲، زمستان، صص ۱۱-۱۹.
- خنفیر، حسین. (۱۳۸۵). کارآفرینی در نظام ارزشی. مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران-پردیس قم: انتشارات ایران

1 Assistant Professor at Shahid Bahonar University of Kerman, Department of Education, Kerman, Iran; (Corresponding Author), Email: Km.esmi@gmail.com

2 Associate Professor at Shiraz University, Faculty of Educational Sciences, Shiraz, Iran

3 Associate Professor at Shiraz University, Faculty of Educational Sciences, Shiraz, Iran

4 Associate Professor at Shiraz University, Faculty of Educational Sciences, Shiraz, Iran



نگین،

سبحانی، حسن،. احقاقی، میثم، نادری، اسماعیل.(۱۳۹۱). کارآفرینی از منظر ادیان توحیدی با تأکید بر نظام اقتصادی اسلام. توسعه کارآفرینی، ۵(۴)، ۱۸۸-۱۶۹

سلیمانپور، جواد، غفاری مجلج، محمد، نگهداریان، سیده سمانه. (۱۳۹۰). مقایسه دیدگاه معلمان و دانشجو معلمان در ارزیابی برنامه درسی تربیت معلم عصر فاوا براساس مبانی فلسفی و اجتماعی. فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۲(۱).

شریف سید مصطفی، جمشیدیان عبدالرسول، رحیمی حمید، نادری ناهید. (۱۳۹۰). تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران. توسعه کارآفرینی، شماره ۱۱.

صفری سعید، سمیع زاده مهدی(۱۳۹۱) نیازسنجی آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته های علوم انسانی، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، دوره ۱، شماره ۱.

عباس زاده، محمد.(۱۳۹۱). تاملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۳، شماره ۴۵، بهار.

مجلل چوبقلو محمدعلی، عبدالله فام رحیم، تمجیدتاش الهام.(۱۳۹۰). آسیب شناسی فرایند کارآفرینی در برنامه درسی رشته های تحصیلی دانشگاهی: مطالعه موردی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب. فراسوی مدیریت، ۱۸، ۱۶۷-۱۸۷.

مذبوحی سعید، شرفی محمد، مقدم مینا. (۱۳۹۰). برنامه درسی آموزش کارآفرینی: هدف، محتوا، روش تدریس و شیوه ارزشیابی. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۳.

ملا محمدی، آمنه.(۱۳۷۹). ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته برنامه ریزی آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ملکی، حسن. (۱۳۸۶). برنامه ریزی درسی، راهنمای عمل (ویرایش دوم). تهران: انتشارات پیام اندیشه.

ملکی، حسن(۱۳۸۷). دیدگاه برنامه درسی فطری- معنوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، روش شناسی بومی سازی علوم انسانی، کنگره علوم انسانی.

موسی پور، نعمت اله،. امیر سرداری، فرهاد. (۱۳۸۴). مبانی برنامه درسی. تهران: انتشارات سمت.

یدالهی فارسی جهانگیر، میرعرب رضی رضا. (۱۳۸۸). بررسی ارایه ی برنامه ی درسی آموزش کارآفرینی در رشته ی علوم تربیتی. توسعه کارآفرینی، سال ۱، شماره ۳، بهار، صص ۶۱-۸۰.

- Creswell, J. W. (2003). Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods



Approaches,(Second Edition). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

- Creswell, J. W., Plano Clark V. L., Guttman. M. L. & Hanson E. E. (2003). Advanced Mixed Methods Research Design. In A.Tashakkori and C. Teddlie (Eds), Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research (pp. 209–240). Thousand Oaks, CA:Sage.International Africa Enterprise Educators Conference; Lagos Business School; 15 – 17 January;Lagos, Nigeria.
- Hannon, P. D., Scott, J. M., Sursani, S. R., & Millman, C. (2006). The state of education provision for enterprise and entrepreneurship: A mapping study of England’s HEIs.*International Journal of Entrepreneurship Education*, 27(4), 41-72.
- Lourenço, F., Jones, O. (2006). Developing Entrepreneurship Education: Comparing Traditional and Alternative Teaching Approaches. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 4, 111-140 .
- Luczkiw, Eugene.(2008).Entrepreneurship Education in an Age of Chaos-Complexityand Disruptive Change. OECD Education & skills.No.18.pp.65-93.
- Oliva, P. F. (2010). *Developing the curriculum*. Pearson publication, Inc.
- Pauline, C., Meijer & et al .(2002). Multi-Method Triangulation in a Qualitative Study on Teachers’ Practical Knowledge: An Attempt to Increase Internal Validity, Quality & Quantity 36, 145–167.
- Scott, A. J., Denslow, D., Janssen, F., Knyphausen, D. Z. (2008). Teaching international entrepreneurship through student exchange: Observations, obstacles and recommendations. *Journal of Entrepreneurship Education*, annual, onlin format, 11(5), 1-14.

اسناد

سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسات ۸۵۷ الی ۸۷۲ شورای عالی آموزش و پرورش،
تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۹ الی ۱۳۹۱/۶/۲۸.